

مقدمه:

کتاب هزارویک شب ریشه در فرهنگ ایران-هندی دارد و پیش از اسلام نام هزار/افسان داشت این کتاب تشکیل شده از حکایات و افسانه ها با موضوعات و مضامین گوناگون که در سده سوم هجری از پهلوی به عربی ترجمه شد و عنوان الف لیله و لیله را گرفت، قصه های هزارو یک شب گنجینه ای از عرف و آداب و رسوم و عادات و عقاید و خلیقات مردم جوامع اسلامی در سرتاسر قرون میانه است.

این کتاب نه تنها یکی از منابع عمده مطالعه و تحقیق در فرهنگ مردم برای شناخت جزئیات حال و روزگار عوام و خواص آن روزگاران است، تصاویر بوجود آمده برای داستان های این کتاب توسط هنرمندان نشان دهنده فرهنگ، هنر و دوره ای است که هنرمند به آن تعلق دارد.

این شاهکار ادبی، متأسفانه با بی توجهی صاحبان اصلی خود مواجه شده است، در سال ۲۰۰۴ م از سوی سازمان میراث فرهنگی یونسکو، سال هزارویک شب نامیده شد و در چند کشور دیگر از جمله فرانسه، ژاپن و آلمان بزرگداشتی با عنوان «شب های عربی»، بدون حضور ایرانیان برگزار گردید. پس از وظایف ما هنرمندان و پژوهشگران ایرانی است که ریشه های دلالت های متن - تصویری را بررسی کنیم.

آشنایی من با هزارویک شب، به صورت گسترده در سال اول دوره کارشناسی ارشد، از طریق کلاس های استاد مهدی حسینی صورت گرفت کلاس های پربار و شیوه تدریس ایشان موجب علاقه من برای تحقیق و پژوهش در زمینه هنر نگارگری ایرانی شد لذا با راهنمایی های ایشان و استاد رضا خدادادی و استاد همایون سلیمی، پژوهش خود را در بررسی آثار هزارویک شب صنایع الملک و مارک شاگال آغاز نمودم و برای رساله نهایی خود جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد عنوان «مقایسه تطبیقی آثار هزارویک شب صنایع الملک با آثار هزارویک شب مارک شاگال» را انتخاب نمودم.

این پژوهش به بررسی و تحلیل تصاویر هزارویک شب صنایع الملک؛ هنرمند ایرانی و مسلمان در دوره قاجار و تصاویر هزارویک شب مارک شاگال؛ هنرمند روسی-یهودی در نیمه اول قرن بیستم، می پردازد و سپس تصاویر آن ها با یکدیگر مقایسه می شود تا به سوال های خود در مورد اینکه تا چه حدی این دو هنرمند به متن کتاب وفادار بوده اند؟ و چه مقدار ویژگی های فرهنگی و ملی را در آثارشان رعایت کرده اند؟ و تا چه مقدار کاربرد رنگ در آثار آن ها به بیان موضوع کمک کرده است؟ پاسخ گویم و برای این کار از تحقیقات، مقالات، منابع کتابخانه ای و اینترنتی استفاده نمودم. روش تحقیق در این پایان نامه به صورت توصیفی-تحلیلی می باشد.

این پژوهش بر مبنای سه بخش شکل گرفته است. بخش اول؛ که در آن کلیات تحقیق بیان شده است. بخش دوم؛ در ابتدا به معرفی کتاب هزارویک شب و بیان ویژگی های آن و تاثیرش بر هنر غرب پرداخته است و سپس به معرفی صنیع الملک، هنرمند ایرانی و مسلمان و مارک شاگال، هنرمند روسی - یهودی پرداخته است و زندگی، آثار، دوران و فعالیت های این دو هنرمند بیان شده است. بخش سوم؛ شامل حکایات، تصاویر، تحلیل، مقایسه و بیان شباهت ها و تفاوت های آثار هزارویک شب این دو هنرمند است و سپس در آخر نتایج حاصل از این پژوهش بیان شده است. نگارنده در تالیف این پژوهش از کتب و منابع گوناگونی بهره جسته است در این میان عدم دسترسی به آثار چاپ سنگی مارک شاگال موجب بروز مشکلاتی در تنظیم و نگارش گردید و مولف را واداشت تا مطالب را از بین منابع پراکنده فارسی و لاتین استخراج و تنظیم نماید.

کلیات تحقیق :

بیان مسله:

کتاب *هزار و یک شب* با ریشه های هندی، ایرانی و عربی یکی از برجسته ترین آثار ادبی شرق است که تاکید بر تاثیر پذیری غرب از هنر شرق دارد آن چنان که پس از ترجمه این کتاب توسط *آنتوان گالان* از آن به طور گسترده ای در اروپا بهره گرفته شد این امر لزوم توجه و تعمق در داستان های هزار و یک شب را یادآوری می کند این کتاب از گذشته تا به حال مورد توجه بسیاری از هنرمندان ایرانی و خارجی (در ادبیات، نقاشی، تصویرسازی و سینما و...) قرار گرفته است.

در این رساله با معرفی دو نقاش برجسته از دنیای شرق و غرب، آثار *صنیع الملک* در دوره قاجار ایران و آثار تغزلی و شاعرانه *مارک شاگال* هنرمند روسی - یهودی در دوران مدرن، که بر پایه داستان هزار و یک شب خلق شده است به بررسی و تحلیل تطبیقی آثار، با توجه به تفاوت ها و شباهت های زمانی، مکانی، فرهنگ و مذهب، به نگرش آن در شرق و غرب به این موضوع پرداخته خواهد شد.

فرضیه و سوال های تحقیق:

با توجه به مستندات موجود، فرض بر این است که در آثار نقاشی *صنیع الملک*، وفاداری به متن هزار و یک شب بیشتر از *شاگال* بوده است؟ و همچنین حفظ و کاربست ویژگی های فرهنگی و ملی و کاربرد رنگ در آثار وی بیشتر از *شاگال* بوده است؟ بنابراین سوالات تحقیق عبارت است از:

۱- آیا وفاداری *صنیع الملک* به متن در آفرینش هنر بیشتر از *شاگال* بوده است؟

۲- حفظ و کاربست ویژگی های فرهنگی و ملی، در آثار *صنیع الملک* بیشتر از *شاگال* است؟

۳- تا چه حد کاربرد رنگ در کار *شاگال* و *صنیع الملک* به بیان موضوع کمک کرده است؟

اهداف تحقیق:

بررسی مغایرت ها و مشابهت های تصاویر هزارویک شب در آثار صنایع الملک و شاگال هدف اصلی این پژوهش می باشد و اهداف فرعی شامل: بررسی و تحلیل بصری و عناصر تصویری، بررسی وجوه نمادین، مذهبی، حقیقی، تخیلی و همچنین تفسیر روح حاکم بر فرهنگ و هنر دوره قاجار، بررسی دیدگاه و رویکرد صنایع الملک به عنوان هنرمند ایرانی و مسلمان، و شاگال به عنوان هنرمند غربی و یهودی، تحلیل نقاط ضعف و قدرت در آثار هر یک از دو هنرمند و بررسی طراحی و کاربرد رنگ و همچنین تطبیق متن و تصویر در آثار این دو نقاش می باشد.

پیشینه تحقیق:

از پژوهش های انجام شده در مورد هزار و یک شب، صنایع الملک و شاگال می توان به پایان نامه جواد عظیمی، فارغ التحصیل از رشته کارشناسی ارشد از دانشگاه هنر اشاره کرد. موضوع پایان نامه او «بررسی جلوه های خیال در آثار هزار و یک شب علیقلی خویی و مارک شاگال» است او در این پژوهش به مطالعه عنصر خیال در شرق و غرب پرداخته و تفاوت های موجود در این دو دیدگاه را بررسی نموده و سپس به مقایسه آثار هزار و یک شب علیقلی خویی هنرمند ایرانی با آثار هزارویک شب مارک شاگال هنرمند روسی-یهودی پرداخته و عنصر خیال را در آثار این دو هنرمند بررسی نموده است.

پایان نامه دیگری با عنوان «بررسی تطبیقی آثار صنایع الملک با آثار چاپ سنگی میرزا علیقلی خویی» به نگارش پیمان پناهی فرد در دانشگاه هنر موجود است این پایان نامه به بررسی چاپ سنگی در ایران و مقایسه آثار دو هنرمند ایرانی صنایع الملک و عقیلی خویی پرداخته است از دیگر پایان نامه های موجود «ریشه یابی عناصر تخیلی در هزارویک شب» که توسط لیلا میرزا خانی به انجام رسیده این پژوهش با تاکید بر خیال و عناصر خیالی در کتاب هزارویک شب به تحلیل و طبقه بندی داستان هزار و یک شب پرداخته است و پژوهش دیگر در زمینه تجزیه و تحلیل آثار صنایع الملک (مصور سازی های کتاب هزارویک شب) که توسط منوچهر مانلی در رشته تصویرسازی صورت گرفته در این پژوهش رویا و خیال و اتفاقات غیر قابل پیش بینی مورد بررسی قرار گرفته و سپس به بررسی نسخ مختلف چاپی از هزارویک شب در دوره ی قاجار پرداخته است از جمله پژوهش ها و مقالات می توان به «کتاب آرای هزار و یک شب» یعقوب آژند، «میرزا ابوالحسن

غفاری و داستان هزار و یک شب» مهملی حسینی و «هزار و یک شب برزخی میان اسطوره و تاریخ» صابر/امامی و ... اشاره نمود.

روش تحقیق:

این تحقیق تلاش خواهد نمود تا با مطالعه از تحقیقات انجام شده و منابع کتابخانه ای و اینترنتی فضای تصویری این دو هنرمند را مورد بررسی و مقایسه تطبیقی قرار دهد و روش تحقیق در این پایان نامه به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد و شیوه نگارش در این پایان نامه طبق کتاب آیین نگارش و ویرایش نظام الدین نوری کوتنایی می باشد.

هزارویک شب :

«هزارویک شب آینه تمام‌نمایی است از زندگانی و اندیشه‌ی مردمان رنگارنگ جامعه‌ی ای در برگیرنده‌ی اقوام و ملت‌های گوناگون - در سراسر قرون وسطی - و بنابراین آمیزه‌ی است از افکار بلند و ارزمند و نیز کارهای ننگین و شرم‌آور. هم‌نمایشگر شاد خواری و لذت‌جویی و عشرت‌طلبی و کامرانی صاحبان زور و زر است و هم نقش‌پرداز تلاش و معاش مردم رنج‌دیده و ستم‌کشیده‌ی ای که سقف‌خانه‌شان آسمان بود و حتی آن‌چنان که مشهور شده است، روی هم رفته بیشتر وصف حال کسانی است که زندگی‌شان نمایشگاهی بود از انواع تجمل و تفنن در بغداد، صحنه افسانه‌های معروف کتاب، و نیز در دیگر شهرهای بزرگ قلمرو پهناور اسلام.»^۱

بدون شک کتاب هزار و یک شب یکی از مهمترین کتاب‌هایی است که همچون بستر فرهنگی عمل کرده و از آن خرده فرهنگ‌های دیگر پدید آمده است. در واقع گنجینه‌ی است از آداب و رسوم و عادات و عقاید و خلیقات مردم جوامع اسلامی در قرون میانه و در آن نکته‌هایی آموزنده بسیار در باب زندگانی روزانه عام و خاص نهفته است. هزارویک شب یکی از «رازنامه‌های شرق» است و به خاطر همین جهان هزار و یک شب سرشار از اتفاقات جادویی و شگفت‌انگیز است و در آن افسانه‌ها غالباً رنگی از مبالغه و گزاف دارد.^۲ پس در نتیجه هزار و یک شب از آن جهت اهمیت دارد چون منابع و ماخذ ارزشمندی برای تاریخ اجتماعی خاورمیانه در سده‌های میانه و اوایل دوره جدید است. «کتاب هزارویک شب ابتدا «هزار افسانه» نام داشت، ولی بعداً به عربی «الف لیله» هزار شب نامیده شد. ولی چون در آن رعایت باورهای شرقی‌ها که از اعداد سراسر است (یاتام) بیزارند، (فی الواقع آن را نحس می‌دانند) نشده بود، به هزارویک شب (الف و لیله و لیله) تغییر نام یافت.»^۳

داستان‌های ایرانی «هزار افسانه» در مورد ساسانیان جوانه‌هایی است که هزار و یک شب را به تدریج شکل داده‌اند. این داستان‌ها از ایران به هند رفته و در آنجا داستان‌های هندی از جمله پنجه‌تتره ترکیب شده و دوباره به ایران بازگشته است. این داستان به تدریج کامل شده و در نهایت در دوران خلافت عباسیان به خصوص در دوره خلافت هارون الرشید به بغداد رفته و در آنجا لباس و چهره عربی گرفته و همراه با قصه‌های عربی به شکل امروزی درآمد است.

^۱ جلال ستاری، افسون شهرزاد، ص ۱.

^۲ همان، ص ۴.

^۳ مهدی حسینی، میرزا ابوالحسن خان غفاری، فصلنامه هنر، ۳۱۰، ۱۳۸۱.

در واقع اثری که ما امروزه به نام هزار و یک شب می شناسیم محصول نوعی در هم آمیزی یا سازگاری آفرینش گری دور و درازی است که پژواک فرهنگ های گوناگون در آن شنیده می شود. هزار و یک شب با ریشه های هندی، ایرانی، عربی آخرین و در عین حال معتبرترین اثر مصور شده خطی به شیوه سنتی کتاب سازی ایران شناخته شده این شاهکار در شش مجلد است. کتاب هزار و یک شب در واقع کتابی است شرقی متشکل از خیال هندی، تفکر ایرانی و زبان عربی، در حقیقت تاریخ واحد و مشخصی برای تالیف این کتاب نمی توان تعیین کرد.

هر قصه هزارویک شب تاریخ تالیف جداگانه ای دارد و به طور کلی کتاب بین قرن های چهارم تا دهم ه.ق نگارش شده است.

داستان ها در هزارویک شب فقط محدود به قصه های پریان نمی شود بلکه مجموعه داستان های هزارویک شب اقلامی بس وسیع تر از این را در برمی گیرد. در آن حماسه های پهلوانانی بلند، ادبیات حکمی، قصه های حیوانات، افسانه های جهان شناختی، حکایات مستهجن، شوخی های معادی و داستان هایی از مناجات های عارفانه، وقایع نامه طبقات پایین اجتماع، مشاجرات ادیبانه و انبوهی از شعر نیز هست. چند داستانی بیش از صدها صفحه اند و برخی دیگر قطعات کوتاهی بیشتر نیستند.^۱

داستان های هزارویک شب به وسیله شهرزاد به شاه شهریار گفته می شود. شهریار پادشاهی افسانه ای از روزگار کهن است که چون از خیانت همسرش با یک غلام مطبخی آگاه می شود او را به قتل می رساند و از آن زمان به بعد، از بیم خیانتی دیگر هر شب دختر باکره ای را به بستر می برد و بامداد بی استثنا دستور می دهد سراز تنش جدا کنند. پس از آنکه این بکارت برداشتن و کشتن مدتی ادامه می یابد، دختر وزیر که شهرزاد نام دارد، برخلاف میل پدرش داوطلب می شود که نامزد بعدی بستر پادشاه شود. چون او را به نزد پادشاه می آورند، از وی می خواهد که اجازه دهد خواهرش دنیا زاد ندیمه ی او باشد. شهرزاد از پیش به خواهرش یاد داده است که در زمان معین از وی بخواهد که برایش داستانی بگوید و او را بی آنکه دیده شود در اتاق خوابش جای داده است. دنیا زاد منتظر می ماند تا وقتی که پادشاه از خواهرش تمتع برمی گیرد. آنگاه در زمانی که مناسب می بیند از شهرزاد می خواهد برایش قصه ای بگوید. شهرزاد خواست او را با گفتن حکایات «بازرگان و عفریت» بر می آورد در این داستان قصه ایست به نام پیر و استر که سرگذشت شهریار را بیاد می آورد ولی چون مرد فریب خورده در قصه به جای کشتن همسر خیانتکار، او را به جادوی استر می کند شهرزاد در آغاز به شهریار می آموزد که کشتن زن سست پیمان نامهربان تنها راه کین خواهی از

^۱ رابرت ایروین، تحلیلی از هزارویک شب، ترجمه فریدون بدره ای، ص ۳

او نیست بلکه می توان با او کاری کرد که عمری در محنت و عذاب بماند و کفاره گناه و خیانت خود را ببیند اما چون داستان را در آن شب به پایان نمی رساند، شهریار برانگخته می شود که که کشتن او را به عقب بیندازد تا پایان داستان را در شب دیگر گوش کند شب بعد داستان ادامه می یابد اما به پایان نمی رسد زیرا شهرزاد قصه دیگر در منوال چند سال (و اگر ما هزار و یک شب را میزان قرار دهیم دو سال و ۲۷۱ روز) ادامه می یابد اما به پایان نمی رسد. و شهرزاد هر شب برای نجات جان خود به قصه گویی می پردازد. سرانجام، وقتی گنجینه بزرگ قصه هایش به پایان می رسد که مادر چند فرزند شده است. و پادشاه از تصمیم اصلی خود که کشتن او بوده است در می گذرد.^۱

اساس داستان های هزارویک شب :

- ۱- افسانه های باستانی ایران و هند که هسته اصلی آنرا فراهم آورده.
- ۲- حکایاتی که در دوره اسلام در بغداد در قرون سوم و چهارم هجری به آن افزوده اند.
- ۳- داستان هایی که پس از این تاریخ در مصر در قرون هفتم هجری سیزدهم میلادی بر آن مزید کرده اند^۲

هزار و یک شب :

- زبانش عربی
- فکرش ایرانی
- خیالش هندی
- بازویش ترکی

اما دل و جانش اسلامی بود و انسانی^۳

«در حقیقت تاریخ واحدی برای تالیف و تدوین کتاب هزار و یک شب نمی توان تعیین کرد. در واقع هر قصه تاریخ تالیف و تنظیمی جداگانه دارد و مانند یک اسلیمی داستانی است که از میان داستان های دیگری شروع می شود و شکل می گیرد. کهن ترین داستان مربوط به قرن های ششم و هفتم ه.ق (دهم م) است و در این داستان ها ذکری از سلاح های آتشین به میان نیامده است. برخی از داستان ها مربوط به قرن ششم و هفتم ه.ق (۱۲ و ۱۳م) است که در آن از نویسندگان های سکرآور یاد می شود. تعدادی از داستان ها که در آن از قهوه و قهوه خانه صحبت به میان می آید، متعلق به قرن

^۱ همان.

^۲ جلال ستاری، افسون شهرزاد، انتشارات توس، ۱۳۶۸، ص ۶۱-۶۲.

^۳ عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۳۵

های نهم و دهم ه.ق (۱۵ و ۱۶م) است. به طور کلی کتاب بین قرن های چهارم تا نهم و دهم ه.ق (۱۶م) نگارش شده است.^۱

پس « هزارویک شب به صورتی که فعلاً در دست است، تالیف یک تن و یک قوم و ملت نیست؛ این کتاب طی قرن های متوالی در تمام عالم گردش کرده و در این گردش طولانی برگرد ربع مسکون، بسیار عجایب و نوادر دیده و از آن توشه ها اندوخته و هر قوم و قبیله ای به تناسب ذوق خویش چیزی بدان افزوده و گاه کتابی مستقل و داستانی دراز یکباره در آن درج شده و در مدتی نسبتاً دراز بدین کمال رسیده است. شهرزاد، از زبان اقوام و قبایل و ملل گوناگون سخن می گوید.»^۲ «از این رو هزارویک شب یک کتاب نیست، یک کتابخانه است؛ و یک نویسنده ندارد بلکه داستان سرایان بسیار به روزگاران آنرا پرداخته اند و گنجینه و جنگی از ادبیات عامیانه مشرق زمین در سده های میانه است که «افسانه ی همه قرون» را در آن می توان خواند.»^۳

اما با وجود الحاق داستان های عرب به اصل ایرانی، باید این را در نظر گرفت اگر چه خاستگاه هزارویک شب ایرانی و هندی است ولی شکل کنونی کتاب فرآورده کارگاه مسلمین و اعراب است چون بیشتر داستان هایش ساخته و پرداخته تازیان است و هم به تمام کتاب رنگ اسلامی زده اند. در هزارویک شب عوامل بیگانه و غیرعربی که از مشرق فرا رسیده در کنار عناصر اصیل عربی به چشم می خورد این عناصر هندی و ایرانی و یهود و یونانی و بابلی و مصری و عربی، به دست استادانی ناشناخته و گمنام به صورت مجموعه ای غنی و پرمایه درآمد است زبان تازی در صورت و بینش اسلامی در معنی، این تار و پودهای گوناگون و رنگارنگ را به هم پیوند داده است. هزار و یک شب با ترکیب عناصر پراکنده، تصویری از ملیت تمدن اسلامی در قرون میانه است ساختمان مدنیت و فرهنگ اسلامی که از عناصر هندی و بابلی و مصری دوری جسته و به عناصر ایرانی و یونانی و مسیحی نزدیک شده است و بر هر چه عربی است تاکید خاص می ورزد و نظام هزارویک شب را شکل می دهد و به آن رنگ و بویی اسلامی می دهد.^۴ پس در نتیجه کتابی که امروزه به عنوان هزارویک شب در دست ماست محصول نوعی در هم آمیزی یا سازگاری دور و دراز ادبی است که پژواک فرهنگ های گوناگون در آن شنیده می شود.

^۱ مهدی حسینی، میرزا ابوالحسن خان غفاری، فصلنامه هنر، ۱۳۸۱.

^۲ علی اصغر حکمت، مقدمه هزار و یک شب، تهران، ۱۳۱۵.

^۳ جلال ستاری، افسون شهرزاد، ص ۶۰.

^۴ همان، ص ۶۰ و ۶۱.

ریشه هندی و ایرانی هزارویک شب:

۱- اصل و ریشه افسانه و داستان های افسانه ای در ایران است. سخن محمدبن اسحاق الندیم الوراق صاحب کتاب الفهرست اینست:

«نخستین کسی که افسانه ها سرود واز آن کتابها ساخت و در قرینه ها نهاد، خرس نخستین بود که برخی افسانه ها را از زبان جانوران باز گفت از آن پس پادشاهان اشکانی که سومین طبقه از پادشان هان فرس هستند در این کار غرقه شدند. سپس این امر در دوران پادشاهان ساسانی افزایش یافت و دامنه آن وسعت گرفت و قوم عرب آن افسانه ها را به زبان عرب نقل کرد که به ادیبان فصیح و بلیغ رسید و آنان آن را تهذیب کردند و بیپرآستند و در این رشته کتاب هایی نظیر آنها پرداختند و نخستین کتابی که در این معنی پرداخته شد کتاب «هزار افسانه» است که معنی آن به زبان عربی «الف خرافه» است ...»

۲- مشابهت داستان های هزارویک شب با کتاب های هندی که تقدم تاریخی شان بر هزارویک شب مسلم است. از جمله « پنچاتترا»^۱ و «وتالا پنچاویم ستی»^۲ گاهی در کتاب های قدیم ایران و هند قسمتی کاملاً مشابه از یک افسانه الف لیله و لیله وجود دارد.

۳- وجود نام های قدیمی و تعلیمات و اعتقادات باستانی ایران و هند در هزارویک شب. مثل دنیا زاد، شهرزاد که اسم هایی ایرانی هستند و همچنین اندیشه و انگیزه های اصلی این کتاب از کتب مختلف سانسکریت چون مهابهارات و رامایانا گرفته شده است.

۴- شیوه نقل داستان های پیاپی و تودرتو « حکایت در حکایت » در هزارویک شب.

«علت اصلی پدید آمدن الف لیله و لیله که عبارت از نقل داستان هایی است برای به دست کردن مهلت و مانع شدن از کاری شتابزده و ناسنجیده» یا قصه گویی برای پس انداختن مرگ و نیز شیوه درج کردن قصه ای در قصه دیگر، روش خاص هندیان است و بنابراین این نکته، قریحه روشن برای هندی بودن بعضی عناصر تشکیل دهنده الف لیله و لیله می تواند بود، چه نه تنها طرز تالیف کتاب، بلکه شیوه های بیان نیز در آن همین شکل رابه خود گرفته است»^۳. این شیوه نقل داستان های پیاپی و تودرتو، شبیه لایه های پیاز، برای پس انداختن موعد مرگ یا هر چیز دیگر را در پنچاتترا و در حکایت ملک جلیعاد و شماس وزیر و شاهزاده وردخان و در داستان ده وزیر و داستان هفت وزیر و با مختصر اختلافی در داستان هندی « سوکه سپتاتی »^۴ باز می یابیم. همه این قصه ها چارچوبی

^۱ -pancat antra

^۲ -Vetalapancanvimcati

^۳ محمد جعفر محجوب ر.ک. داستان های عامیانه فارسی مجله سخن، دوره دهم، شماره ۹-۱۰-۱۱-۱۲.

^۴ -Sukasaptati

تودرتو و پیازی شکل دارند. سوکه سپتایی به معنی «هفتاد طوطی» اصل چهل طوطی است. چهل طوطی «همچو هزارویک شب درباره مکر زنان است با همان سبک معهود این گونه آثار ریشه هندی دارند، یعنی حکایت در حکایت، پر از پند و اندرز و حکم و امثال به زبان حیوانات.»^۱

این شیوه داستان های پیایی به قصد رهایی از مرگ در روزگار بسیار کهن به ایران آمده و در آن جا رنگ و بوی ایرانی گرفته و نام های ایرانی اصل شهرزاد و دنیا زاد نیز که به معنای نجیب و اصیل و شریف زاده و نژاده است و املایشان دگرگونی بسیار یافته تا به صورت کنونی درآمده، ریشه هندی و ایرانی چارچوب و کوششی را که برای عربی کردن آن بکار رفته، ثابت و تایید می کند.

۵- حکایات و امثال از زبان مرغان به سبک و سیاق کلیله و دمنه، اسلوب و شیوه ای هندی است. به گفته ی شلگل تمام افسانه های عبرت آمیز و نشاط انگیز، هندی اصل است، چون نظائر آن در ادبیات سانسکریت بازیافته می شود.

۶- وجود تعلیمات و معتقدات باستانی ایرانی و هندی در هزارویک شب نشانه هایی از هندی و ایرانی بودن آن است. در واقع تاروپود کتاب از نظرات و معتقدات هندی و ایرانی فراهم آمده ولی این رگه های اصلی رنگ و نگار اسلامی پذیرفته و گاه ظاهری و هیئتی عربی یافته است. شلگل معتقد است که داستان های هزارویک شب دارای سه اصل عربی ایرانی و هندی است و چارچوب و انگیزه کتاب ریشه سانسکریت دارد.

۷- وجود اجنه و پریان و دیوان در هزارویک شب، آفریده تخیل هندوان و مذهب برهمایی است.

۸- در وصف طبیعت بعضی داستان ها، می توان محصولات و جانوران و اوضاع جغرافیایی و اقلیمی سرزمین هند و یا جزیره سیلان را تمیز داد.

۹- داستان های اساطیری و غریب و شگرف در هزارویک شب ریشه در هند و ایران دارد.^۲

به گفته /دگار بلوشه، که ایرانیان نیز در ساختن و پرداختن اساطیر و داستان های غریب و شگرف به اندازه هندوان ذوق و توانایی داشته اند.^۳ بسیاری از داستان ها و افسانه های بومی ایران را در اوستا و شاهنامه و آثار مورخان قدیم باز می توان یافت و «مضامین آن ها عبارت از سنت هایی است که از زمانی بسیار کهن پشت به پشت میان ایرانیان می گردیده و قدمت برخی از آن ها تا به عهد آریایی هند و ایرانی می رسد. چه نظائر آن ها در وید (ریگ وید) برهمنان نیز موجود است»^۴

^۱ چهل طوطی، برگزیده «سوکاسپتایی، یا هفتاد افسانه، ترجمه سیمین دانشور و جلال آل احمد، مجله یغما، شماره ۱-۲-۳-۴، ۱۳۴۴.

^۲ جلال ستاری، افسون شهرزاد، ص ۸ تا ۱۹.

^۳ Blochet, E. Les Mille et une Nuits, in revue Ency colpedique larousse, 1900, p. 7-10.

^۴ - ابراهیم پور داود، پشت ها، تهران، ۱۳۴۷، ص ۴۶

«به گفته آرمند ابل^۱ دنیای افسون آمیز و وهم انگیزی که در متن اندیشیده مذهبی ایران شکفته است نه به دست مشرعان و دین پروران سنتوری ویران شد و نه آن جاودانان و ایزدان به زخم شمشیر اسلام از پای درآمدند: از اینرو در دوران خلفای عباسی به موازات رستاخیز و رخنه و نفوذ اندیشه ایرانی در قسمت شرقی بحرالروم یا بحر متوسط، ارواح اسرارآمیزی که داستان های عامیانه ایرانی از آنان آکنده و انباشته بود. پا به دنیای جوانسان اسلام نهادند. این موجودات شگرف به فیل فرشتگان و دیوانی که همراه افسانه حضرت سلیمان به معتقدات یهود و مردم بوزنطه راه یافته بودند، پیوستند و اسلام آن همه را در روحيات و ذهن مردمی که اسلام می آوردند پیگیر و مستقر یافت.»^۲

۱۰- انگاره های آئینی جادویی به ویژه تغییر شکل از انسان به حیوان یا برعکس راه یافته در حکایات شهرزاد، از آبخوری هندی بر می آیند. در داستان حکایت شاهزاده سنگی، زنی نیرنگ باز و شعبده کار، تمام مردم شهر را به چهار رنگ ماهی تبدیل می کند و حکایت دختر و مرد حمال، دختری خواهران خیانتکارش را با طلسمی به شکل سنگ درمی آورد و یا در حکایت عبدالله فاضل دختری از جنیان، برادر ناجوانمرد مردی نیکوکار را بدل به دو سگ می کند در کنار این آیین جادویی، باید به آئینی آشنا و کهن اشاره کرد که باز هم منشاء هندی دارد و در داستان سند باد بحری به ظهور می رسد: آیین زنده به گور کردن زنان و مردان همراه با همسران مرده شان که می دانیم این اشاره ای است به رسم ساتی.^۳

«در داستان حسن بصری و نورالنسا به یک آیین مجوس اشاره می شود که البته با تخیل آمیخته است. حسن بصری توسط بهرام مجوس دزدیده می شود و چون چشم می گشاید دست و پای خود را بسته و مجوس را کناری می بیند:

«مجوس می خندید و می گفت به نار و نور سوگند که مرا گمان این نبود که تو در دام من بیفتی. مرا آتش بگرفتن تو یاری کرد. من ترا به آتش قربانی کنم تا او از من راضی شود» [...] پس از آن مجوس افروختن آتش فرمود. حسن گفت به آتش چه خواهی کرد. مجوس گفت این آتش پروردگار منست اگر تو نیز او را پرستش کنی نیمه ی مال خود به تو دهم.»

اشاره به درهای مخفی و انجمن های خفیه و علایمی که معنای پنهان دارند را در مجموعه داستان های هزارویک شب، می توان با باورهای مهری مقایسه کرد.^۴

^۱ - Armand Abel

^۲ جلال ستاری، افسون شهرزاد، ص ۲۰.

^۳ رسم سوزاندن زنان به همراه همسرانشان در آیین هندو

^۴ نغمه ثمین، جدال قدرت و نمایش، فصلنامه هنر شماره ۶۱ ص ۴۴

هزار افسان:

مهمترین مجموعه داستان های ایرانی، کتاب *هزار افسان* است که ابن ندیم درباره آن (در کتاب *الفهرست* ص ۳۶۳) این چنین می نویسد: «اولین کتابی که در این مورد تالیف شده، کتاب هزارافسان، به معنی «الف خرافه» است و سبب تالیفش این بوده که یکی از پادشاهان ایشان (ایرانیان) هرگاه زنی می گرفت، یک شب با او به بسر می برد و فردای آن روز او را می کشت. اتفاقاً بدختری از شاهزادگان به نام شهرزاد که خردمند و باهوش بود، ازدواج کرد و چون به او دست یافت، آن دختر زبان به داستان سرایی گشود و سخن را به پایان شب کشایند به این منظور که پادشاه او را برای شب دوم نگاه دارد باقی افسانه را از وی بشنود. هزارشب به همین گونه سپری شد تا سرانجام فرزندی از او متولد شد، او فرزند را به شاه نشان داد و او را از حيله خود آگاه کرد. شاه خردمندی او را پسندید و بدو دلبستگی پیدا کرد و او را نگاه داشت پادشاه زن کارگزاری بود به نام دنیا زاد که در آن کارها با دخترهم رأی بود. گفته اند که این کتاب برای همای دختر بهمن تالیف شده بود و در این باره روایت دیگری نیز نقل کرده اند... و کتاب هزار افسان مشتمل بر هزار شب و کمتر از دویست حکایت است، زیرا چه بسا یک حکایت در چندین شب گفته می شد.»^۱ در سده پایانی حکومت ساسانیان آثار سرگرم کننده هندی به زبان پهلوی بازپردازی می شد. مشهورترین سند آن مجموعه افسانه ای به نام هزارویک شب است. مسعودی معتقد است که این مجموعه حکایت های عربی از زمان های کهن درباره ی شداد و شهر افسانه ای ارم شبیه است که از زبان فارسی، هندی و از یونانی، مانند کتاب *هزار افسانه* به زبان ما برگردانده شده و این کتاب به زبان عربی به معنی *هزار روایت* است، زیرا فارسی افسانه معادل خرافه کلمه عربی است و این کتاب به روال رایج *هزارشب* نامیده شده و در روایت از پادشاه، دخترانش و دایه ی آنهاست که نام آن ها شیرزاد و دنیا زاد است بدین ترتیب وقتی صحت تعلق این اثر به ایران از میان رفت با تحقیق های بسیار و با توجه به زمینه هندی، دانسته شد که به راستی در ایران چنین کتابی وجود داشته است و در قرن نهم م. این کتاب به عربی برگردانده شده و بعدها با گذشت زمان افزوده هایی به آن اضافه شده و به بزرگی امروز رسیده است. مارکسیم گورکی درباره هزارویک شب می نویسد: در میان آثار سترگ و خلاق ادبیات عامیانه شفاهی قصه های شهرزاد پرشکوه ترین آنهاست. این حکایت ها با شگفت انگیزی تمام و کمال خود، زبان حال مردم زحمتکش است که می کوشد خود را به سحر آفریده های خوشایند بسپارد، به بازی های سخن آزاد که معرف نیروی سرشار تخیل و شکوفای ملت های ایران، عرب و هند است.»^۲

^۱ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۶۳.

^۲ دکتر محمد عبادیان، *هزار و یک شب*، فصلنامه هنر، شماره ۶۱، ص ۱۱.

الف ليله و ليله:

کتابی که به نام *الف ليله و ليله* در ادبیات شرق و غرب معروف شده از آداب و رسوم قدیم مشرق و تفکر و اندیشه شرقی حکایت می کند. اگر این مجموعه قصص و حکایات نزد علما و دانشمندان قدر و قیمت دارد از آن روست که در خلال حکایات آن بسیاری از نکات تاریخی و دقایق ادبی و تعالیم لطیفه اخلاقی مندرج می باشد، که دانای محقق را از آن فایده ها عاید می گردد و حقیقتاً کتابی که در دوهزار سال قبل به وجود آمده و از لطافت آداب ملل قدیمه شرق مانند هندوستان و ایران و عرب و ترک امتزاج یافته در تمدن های بزرگ مانند تمدن ساسانیان و اسلام و خلفای عباسی و فاطمی و اعقاب آنان نسل به نسل و دست به دست رفته است. بهترین تصویر از زندگانی و طرق معاش و طرز معاشرت و منادمت و رزم و بزم و تجارت و زراعت در کشورهای مختلف آسیا و خاصه شام و ایران و عراق و مصر و جزیره العرب را دارد.^۱

تأثیر این حکایات و افسانه های شرقی که با زبان سحر و قلم فریبنده بیان شده به اندازه ای است که در قرن هجدهم در اروپا ترجمه شد و انقلابی عظیم در تاریخ ادبیات اروپا ایجاد کرد و این کتاب در سرتاسر ممالک غرب معروف گردید و بعدها ادبا و نویسندگان اروپایی هزاران تمثیل و حکایت و شعر از این کتاب اقتباس کردند و اکنون نیز در صحنه های سینما و تئاتر در اروپا و امریکا شاهد موضوعاتی هستیم که از این منبع ادبی گرفته شده است.^۲

آنچه در نوشته ها و آثار قدیمی و تحقیقات انجام شده توسط محققین صورت گرفته نشان می دهد که در آغاز کتاب *الف ليله* قبل از دوره سلاطین فرس قدیم، در هندوستان به ظهور رسیده بعدها در عهدی که ظاهراً قبل از اسکندر است به ایران آمده و به فارسی قدیم ترجمه گردید و هزار افسانه نامیده شد و سپس در سوم هجری هنگامی که در بغداد کتب علمی و ادبی از السنه مختلف به عربی ترجمه و نقل می شد. این کتاب نیز به کسوت عربی درآمد و مدتی در بغداد در دست اهل فضل و ادب دست به دست چرخید و از آثار ادبی عرب حکایات و قصصی به آن اضافه شد تا این که در قرن چهارم بعد از «متوکل عباسی» که اهل علم و دانش از بغداد کتب و فضائل و علوم را به دیگر ممالک اسلامی حمل نمودند این کتاب نیز به مصر منتقل شد و در قاهره به دست قصه سرایان و نقالان افتاد و در آنجا حکایت سرایان مصری افسانه هایی را که بعضی از بافته های مصری و بعضی دیگر از ماخذ یهودی بود به آن افزودند.^۳ گروهی از پژوهشگران به ریشه هندی قصه ها (از نظر

^۱ آریتا عطارد، هزارویک شب هزارویک راز، فصلنامه هنر، شماره ۶۱، ص ۸۵.

^۲ همان.

^۳ همان ص ۸۶.

ساختار و حکایت در حکایت) معتقدند و برخی دیگر نیز مانند مسعودی و ابن ندیم به دلیل وجود نام های ایرانی، شهرزاد، شهریار و دنیاژاد معتقد هستند. که این داستان ها ریشه ایرانی دارد. هزار و یک شب یا هزارافسان در اصل از جمله متون کهن پهلوی است که پس از اسلام به زبان عربی ترجمه و با افزودن افسانه هایی به آن به نام عربی «الف لیله و لیله» شناخته شد.

«براساس گفته ابن ندیم، قصه ی الف لیله در متن عربی ابتدا شامل ۲۰۰ قطعه بوده است و می افزاید که اول بار در ایران کتاب افسون یا افسانه برای هما خواهر تهمتن، پسر اسفندیار و شهرزاد جمع آوری شده است.»^۱

عاقبت این کتاب ها در قرن دهم هجری (شانزدهم م) جمع آوری و تدوین شد و به صورت «الف لیله و لیله» کنونی درآمد. در قرن ۱۸ اولین ترجمه فرانسوی آن به دست «آنتوان گالان» انجام گرفت و به اروپا معرفی شد.

ترجمه این کتاب به فرانسه توسط «آنتوان گالان» در (۱۷۱۲-۱۷۱۴) اتفاق افتاد و با ترجمه اولین کتاب در غرب مشهور گردید و تاثیرات بسیاری را در تاریخ ادبی اروپا گذاشت ولی این ترجمه از لحاظ صحت مطالب و انطباق آن با اصل دارای نقایص و معایبی است او در ترجمه این کتاب دخل و تصرفاتی نموده است از جمله:

۱- گالان داستان شهریار و برادرش شاه زمان را با اشاراتی به پدرانشان آغاز می کند، اما در دستنویس موجود از این پدران ذکری نیست.

۲- ترجمه هزارویک شب گالان، داستان های علاءالدین، علی بابا و شاهزاده احمد و دو خواهر او را به اروپاییان شناساند. آنچه مایه حیرت است این است که هیچ یک از این داستان ها در هیچ یک از دستنویس های عربی هزارویک شب که پیش از انتشار ترجمه گالان نوشته شده نیامده است. در واقع او خود این داستان ها را به هزار و یک شب اضافه کرده است.

۳- همه داستان های این مجموعه را گالان انتخاب یا ترجمه نکرده است قبلاً «زین الاصنام» و «خداد و برادرانش» که به وسیله یک خاور شناس به نام پتی دولاکروا از روی یک دست نویس ترکی ترجمه شده است. ناشر این داستان ها را بدون اطلاع گالان اضافه نموده تا از موفقیت فوق العاده که داستان ها داشتند فوراً پولی به جیب بزند.

۴- هدف گالان در ترجمه هزارویک شب چندان پیروی از بافت واقعی نثر عربی میانه کتاب نبود بلکه گزینش عناصری از آن بود که به قضاوت وی باب طبع و خوشایند سال های قرن ۱۸ فرانسه بود.

^۱ اولریش مازولف، رابطه بین هزارویک شب و فرهنگ ایرانی، فرهنگ مردم، شماره ۱۱ و ۱۲.

۵- گالان مطالب رکیک و هزلی را که در هزارویک شب آمده بود را حذف نمود.

۶- او شعرهای متن هزارویک شب را ترجمه نکرد چون آن اشعار را با معیارهای دقیق و ذوق ادبی فرانسه در قرن ۱۸ سازگار نمی دانست.^۱

سپس ویلیام لین انگلیسی در ۱۸۴۰ ترجمه صحیحی از آن به زبان انگلیسی انتشار کرد. بعد از او «سر ریچارد بورتین»^۲ انگلیسی در سال ۱۸۸۵ ترجمه دیگری کامل تر از نسخه ویلیام لین منتشر ساخت و بعد از او دو ترجمه آلمانی توسط «اینسلورلاج»^۳ به فرانسوی توسط «مسیوماردروس»^۴ در ۱۸۹۹ منتشر گردید.

تاریخ طبع نسخ اصلی عربی کتاب از این قرار است:

۱- طبع کلکته در چهار جلد ۱۸۴۲-۱۸۳۹م .

۲- طبع برسلو در دوازده جلد در ۱۸۴۳ - ۱۸۳۵م.

۳- طبع بولاق مصر در چهار جلد ۱۲۵۱هـ . ۱۸۶۳م .

۴- طبع قاهره.

۵- طبع بیروت ۱۹۱۲م.^۵

^۱ رابرت ایروین، تحلیلی از هزارویک شب، ترجمه فریلون بدره ای، ص (۱۷-۲۰) .

^۲ Sir Richard Burton

^۳ Inselverlag

^۴ Mardrus

^۵ آزیتا عطارد، هزارویک شب هزارویک راز، فصلنامه هنر، شماره ۶۱، ص ۸۶.

الف ليله فارسی:

«پس از آنکه نسخه طبع بولاق منتشر گردید در حدود ۱۲۶۰ هجری در تبریز به ترجمه فارسی آن اقدام شد و این ترجمه در حدود ۱۲۸۰ ق. به طبع رسید به طوری که در مقدمه آن آمده است در زمان محمد شاه (صاحب اختیار کل ممالک آذربایجان بهمن میرزا فرزند ولیعهد نایب السلطنه عباس میرزا) عبداللطیف طسوجی تبریزی را فرمودند که این نسخه بدیع را از تازی به پارسی درآورد و افصح الشعرا میرزا محمد علی سروش اصفهانی را فرمودند به جای اشعار عربی شعر فارسی از کتب شعر مناسب همان مقام نویسد و هر شعری که به قصه و حکایت منوط و مربوط می باشد مضمون آن را خود انشاء نماید. این ترجمه در اوان سلطنت محمد شاه شروع شده و پس از ۱۲۶۴ ق. که وی وفات یافته و نوبت سلطنت به ناصرالدین شاه رسیده است این خدمت به پایان آمده. قدیمی ترین نسخه خطی که از لحاظ خط و تصاویر و تذهیب به متتهای کمال رسیده نسخه ای است که در کتابخانه سلطنتی در تهران موجود می باشد.»^۱

- تصویرسازی: «ابوالحسن غفاری پس از بازگشت از سفر اروپا به ایران در سال ۱۲۶۶ ه. ق لقب نقاش باشی را از آن خود کرد. وی از سال ۱۲۶۹ ه. ق وظیفه مصور کردن ترجمه ی کتاب شش جلدی «هزارویک شب» (شب های عربی) را عهده دار شد.»^۲

«این تصمیم، یعنی خلق نسخه کاملاً مصوری از شب های عربی، در ایران بی سابقه بود، چنین کاری برای اروپاییان بسیار اهمیت داشت زیرا از نظر آنان این اثر نمونه بارزی از ادبیات اصیل شرق زمین بود.»^۳ در حقیقت در قرن ۱۳ ه. ق اغلب محققان خاورشناس طرفدار نظریه ژوزف فون همر پرگستال بودند که «شب های عربی» را اصولاً یک اثر ایرانی می دانست.

«دست نوشته هایی که با نظارت ابوالحسن مصور شده ۲۲۸۰ صفحه را شامل می شود که ۱۱۳۴ صفحه آن مصور است در هر یک از این صفحات از سه تا شش نقاشی کوچک دیده می شود عبدالوهاب، مذهب باشی، وظیفه تذهیب این اثر را بر عهده داشته، متن نیز توسط محمد حسین تهرانی، کتاب السلطان کتابت شده است. این اثر طی هفت سال به وسیله ۴۲ هنرمند به پایان رسیده که ۳۴ نفر از آن ها نقاش بودند. در مجموعه خلیلی پرتره ای از حسین علی خان معیر الممالک که احتمالاً بخشی از کتاب شب های عربی در خانه او تهیه شده وجود دارد. این نقاشی که اثر ابوالحسن

^۱ آزیتا عطارد، هزارویک شب هزارویک راز، فصلنامه هنر، شماره ۶۱، ص ۸۶ و ۸۷

^۲ تهران، کتابخانه گلستان، ۷۲-۱۲۳۶۷ MS. ن ک به لندن ۱۹۷۶، شماره ۶۳۸.

^۳ همر-پرگستال ۱۸۲۷، همر-پرگستال ۱۸۳۹.

غفاری است، به سال ۱۲۷۰ هـ.ق تعلق دارد.^۱

کتابت و تصویر سازی برای کتاب هزارویک شب به سفارش ناصرالدین شاه صورت گرفت. در حسین علی خان معیر الممالک در این زمینه می نویسد:

«... محمد شاه در نظر داشت یک نسخه از کتاب معروف الف لیله و لیله رابا خط خوش و صور و تذهیب عالی به دست استادان ایرانی عصر خویش برای کتابخانه ی سلطنتی تهیه کند. ولی در حین آماده ساختن مقدمات آن در گذشت. ناصرالدین شاه آرزوی پدر را به مرحله عمل آورد و به حسین خان معیر الممالک دستور داد که برای ترتیب کار و تعیین برآورد آن هنرمندان مشورت کند و نتیجه را به عرض رساند. معیر چنان کرد و قرار چنین شد که کتاب به خط آقا میرزا محمد حسین وزیر (جد آقایان حسابی) نوشته شود و صور آن به قلم صنیع الملک ترسیم یابد و تذهیبش به دست مذهب باشی انجام پذیرد. مخارج آن نیز به هفت هزار تومان برآورده شد و موضوع مورد قبول شاه قرار گرفت.»^۲

- ترجمه : داستان هزارویک شب در سال ۱۲۵۱ هـ.ق به دستور شاهزاده بهمن میرزا (فرزند عباس میرزا نایب السطنه)، از روی نسخه بولاق، طبع مصر، توسط میرزا اللطیف (متوفی به سال ۱۲۹۷ هـ.ق) از مردم طسوج آذربایجان و ساکن تبریز، از عربی به فارسی برگردانده شد. اشعار متن را نیز شمس الشعراء، سروش اصفهانی (۱۲۸۵-۱۲۲۸ هـ.ق) از عربی به فارسی ترجمه نمود.^۳

عبداللطیف طسوجی در مقدمه کتاب هزارویک شب می نویسد:

«بنده ضعیف، عبداللطیف التبریزی را به پیشگاه خلائق پناه خواسته فرمودند که این نسخه بدیع را از تازی به فارسی که خوشترین لغات است، بیاورد و افصح الشعراء، ابلغ الفصحاء، ملک الکلام، میرزا سروش فرمودند که به جای اشعار عربیه، شعر فارسی از کتب شعرا، مناسب همان مقام نویسد و هر شعری که به قصه ای منوط و به حکایتی مربوط باشد، مضمون آن را خود انشا نماید. بندگان آستان کمر اطاعت بر میان بسته خدمت را آستین برزدیم. امید که بعون الله و توفیقه این خدمت به پایان رسد و پذیرفته درگاه پادشاه زاده‌ی با فر و جاه گردد.»^۴

کار ترجمه کتاب هزار و یک شب در سال ۱۲۵۹ هـ.ق به پایان آمد و در سال ۱۲۶۱ هـ.ق نخستین بار توسط میرزا علی خوشنویس در تبریز، چاپ سنگی شد. به قول علی اصغر حکمت نثر

^۱ درمور محمد حسین تهرانی. ن.ک به بیانی ۱۳۶۳، صص ۷-۶۹۵.

^۲ دوستعلی خان معیر الممالک، همان ماخذ، ص ۲۷۴.

^۳ مهدی حسینی، میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنیع الملک)، فصلنامه هنر، ۳۱۰، ۱۳۸۱.

^۴ عبداللطیف طسوجی، مقدمه هزار و یک شب، ۱۲۵۹ هـ.ق.

طسوجی» از فصاحت کلام و حسن تعبیر و سلاست سخن و کمال یکی از آثار بدیعه زبان فارسی است.^۱ نمونه نثر طسوجی در حکایت اسب/آبنوس کتاب هزارویک شب:

«گفت: ای ملک جوان بخت، از جمله ی حکایت ها این است که در روزگار قدیم ملکی بود در شوکت و خداوند حشمت و سه دختر آفتاب رو و یک پسر قمر منظر داشت. روزی از روزها ملک بر تخت نشسته بود که سه تن از حکیمان به پیش او درآمدند که یکی از ایشان طاووس داشت زرین و با دیگری بوقی بود سیمین و یا سیمین اسبی بود از عاج و آبنوس. ملک به ایشان گفت: خاصیت این طاووس این است که هر چند ساعت از شب و روز گذرد این طاووس به شماره ی آن ساعات بال و پر بزند و آواز در دهد. خداوند بوق گفت: اگر این بوق به دروازه ی شهر بگذاری از برای آن شهر، به جای پاسبان خواهد بود. اگر دشمنی خواهد به شهر درآید. این بوق آواز در دهد. پس آن دشمن را بشناسند و او را بگیرند. و خداوند اسب گفت: خاصیت این اسب این است که چون کسی بدین اسب سوار شود به هر شهری که قصد کند این اسب او را بدان شهر برساند...»

مجلد: کتاب هزار و یک شب در شش مجلد تهیه شده و به قطع رحلی بزرگ ۴۵×۳۰ سانتی متر است و جلد سازی آن توسط میرزا/احمد جلد ساز صورت گرفته است و اکنون این کتاب در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می شود. این کتاب به دستور ناصرالدین شاه بعد از مرگ پدرش تهیه شده کارمصور سازی، خوشنویسی، تذهیب و تجلید آن مدت ۷ سال طول کشید این کتاب در شش مجلد تنظیم یافته است:

«جلد اول: از ص ۱ تا ۴۳۱، جمعاً ۲۱۶ ورق، ۱۰۹ دست نوشته، ۱۰۷ ورق تصویر.

جلد دوم: از ص ۴۳۲ تا ص ۷۷۱، جمعاً ۱۷۰ ورق، ۸۵ ورق نوشته، ۸۵ ورق تصویر.

جلد سوم: از ص ۷۷۲ تا ۱۱۸۵، جمعاً ۲۰۷ ورق، ۱۰۵ نوشته، ۱۰۲ ورق تصویر.

جلد چهارم: از ص ۱۱۸۶ تا ۱۵۰۵، جمعاً ۱۶۰ ورق، ۸۰ ورق نوشته، ۸۰ ورق تصویر.

جلد پنجم: از ص ۱۵۰۶ تا ۱۹۴۳، جمعاً ۲۱۹ ورق، ۱۱۰ ورق نوشته، ۱۰۹ ورق تصویر.

جلد ششم: از ص ۱۹۴۴ تا ۲۲۷۹، جمعاً ۱۶۸ ورق، ۸۴ ورق نوشته، ۸۴ ورق تصویر.»^۲

دکتر یحیی ذکاء در مقاله اش موسوم به میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری در نشریه هنر مردم شماره ۱۱، مرداد ماه ۱۳۴۲، راجع به ویژگی های کتاب هزارویک شب این چنین می نویسد:

«جلد اول دارای جلد روغنی، بیرون زمینه مشکی نقش گل و بوته و پرند که در هر دف در

^۱ علی اصغر حکمت، مقدمه هزارو یک شب، جلد یکم، چاپ کلاله خاور، تهران، ۱۳۱۵ ش.

^۲ مهدی حسینی، میرزا ابوالحسن خان غفاری، ۳۱۰، ۱۳۸۱.

ترنجی یک مجلس بزم و در دو سر ترنج تصویر بهائم نقاشی شده و در حاشیه و در کتاب روی متن مشکی اشعاری به خط نستعلیق دو دانگ عالی به سفیداب نوشته شده است. اندرون جلد زمینه سرخ و نقش بوته اسلیمی و گل و برگ مذهب ترنج زمینه مشکی گل و برگ و سرترنج های بوم لیمویی گل و برگ ریزه نقاشی و حاشیه بوم مشکی گل و برگ ریزه است. دو صفحه اول متن و حاشیه یک سرلوح مذهب مرصع و حواشی مذهب مرصع عالی در دو صفحه بعد بالای صفحه در دو ترنج روی زمینه لاجوردی به خط شکسته تعلیق خوش نام ناصرالدین شاه به قلم زر نوشته شده است. مطالب مقدمه به این کلمات تمام می شود: «کمترین کاتب حضرت السلطانی - محمدحسین الطهرانی تحریر نمود ۱۲۶۹».

مجلد دوم: جلد روغنی منقش گل و بوته اسلیمی. هر دف در یک ترنج تصویر دو شیر و پرچم نقاشی شده است که تاج کیانی را در میان گرفته اند و در سر ترنج ها منظره دورنما نقش شده است، حاشیه به شرح مجلد اول به اندرون زمینه گل و بوته ریزه نقاشی. مجلد سوم: جلد روغنی زمینه تصویر شکار شیر ناصرالدین شاه و ملازمان، حاشیه به شرح مجلد دوم.

مجلد چهارم: جلد روغنی بوم مشکی مجلس بزم که دوازده قاب در حاشیه درآورده و در هر یک بعضی گل و برگ و بعضی مناظر دورنما نقاشی کرده اند و در هر یک از دودف، یک شیر و خورشید و تاج نقاشی شده و در دوتا، به خط رقاع به زر نوشته اند: «حسب فرمان... شاهنشاه... ناصرالدین شاه قاجار...» اندرون هر دف در یک بیضی دورنمایی نقاشی شده است و در حاشیه دینه لیمویی و مشکی بوته اندازی مذهب است.

مجلد پنجم: جلد روغنی بوم مشکی گل و بوته اسلیمی، منقش مذهب در ترنج ها، منظره دورنما و در سر ترنج ها تصویر زن و مرد نقاشی با حاشیه به شرح مجلد سابق اندرون به شرح مجلد دوم. مجلد ششم: جلد روغنی بوم مشکی گل و برگ نقاشی که در ترنجی تصویر سطوری است که با شیر بالدار و در ترنج دیگر با اژدهای بالدار می جنگد. سرترنج ها گل و برگ ریزه نقاشی است. حاشیه به شرح مجلد سابق اندرون بوم سرخ بوته مذهب نقش اسلیمی اشعار حواشی پنج مجلد از مجلدات شش گانه قطعه ایست مکرر در توصیف چاپ و به نام ناصرالدین شاه و نام جلد ساز که میرزا احمد است و بعضی ابیات آن این است:

نگه کن بدین نامه ی روح پرور	بهشتی گر از حور خواهی مصور
که چرخش سزد تخت و خورشید اختر	شهنشاه گیتی ملک ناصرالدین
به جلدش ریاحین جنت مصور»	هم از خام میرزا احمد آمد